«ملک و مالک » و اختلاف مصاحف امصار شاهدی بر علیه ادعای کتاب پژوهشی در رسم المصحف

ببینید خلاصه عثمان اشتباه کرد که «بالزبر» نوشت، ای درست نوشت؟! یکی به این صورت است و دیگری به آن صورت، کدام یک از آنها است؟ اینکه خدمت شما عرض میکنم مواردم مهم است، بعضی از آنها هست که حوزوی است. یعنی کسی که در حوزه کار فقهی-علمی میکند، نظرش را بیشتر جلب میکند تا کسی که در فضای دور از اینها است. یکی از مواردش را امروز آوردهام تا بخوانم.

چرا روی قرائت «ملک» و «مالک» بهعنوان مفتاح المفاتیح، این قدر بحث کردیم؟! به این خاطر که در سوره مبارکه حمد است. «لا صلاة الا بفاتحة الکتاب». هر مسلمانی قبل از بلوغش باید بخواند. خُب حالا «مالک» است یا «ملک» است؟ وقتی مراجعه میکنید میبینید اصلاً فضا، فضای دیگری است. این دو قرائت را چه کار میکنید؟! آن هم با این کثرت ابتلاء آن.

یکی از موارد دیگر این است...؛ «ملک» و «مالک» را از حیث رسم المصحف میدانیم. قبلاً صحبت شد که در تمام مصاحفی که عثمان نوشته «ملک» است؛ یعنی بدون الف است؛ قرائت «مالک» را داریم. از موارد جالب که مرحوم شیخ الطائفه و مرحوم طبرسی دارند و گفتم این از شاه کارهای ایشان است، درجایکه میخواستند «سبعة احرف» را به هفت نوع قرائت بگویند، یکی از آنها «بالزیادة و النقص» بود. ابن جزری، ابوالفضل رازی به مصاحف صحابه هم مثال زده بودند. «الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ» و «وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ»[1]، با آن نقل بخاری[2] که در خود سنیها بود. اما شیخ الطائفه و مرحوم طبرسی چقدر زیبا انتخاب کردهاند. و لذا هم تأیید کردهاند و گفتهاند قرآن باید متواتر باشد، نرفتهاند از روایت صحیح بخاری شاهد بیاورند که ابن مسعود گفته «و الذکر و الانثی». از چه چیزی شاهد آوردهاند؟ از همین اختلاف مصاحف امصار. یعنی هر دو بزرگوار این کار را کردهاند. مرحوم شیخ دو مثال زدهاند و مرحوم طبرسی یکی. ای برعکس. چرا؟ چون گفتهاند مصاحف امصار متواتر هستند. اینها بوده و همه مسلمانان آنها را میخواندند. وقتی همه میخواندند یکی از موارد «سبعة احرف» چه میشود؟ میشود این اختلاف و مصاحف امصار. این آقایان هم در آخر کار بحث کردهاند خودشان میگویند خُب حالا این تحمل قرائات چیست؟ میگویند کم است و «والنادر کالمعدوم». چهل و چهار مورد آوردهاند و میگویند «النادر کالمعدوم». شما چهل و چهار مورد در اختلاف مصاحف الامصار آوردهای، بعد میگویی «النادر کالمعدوم»؟! این چه اندری است که چهل و چهار مورد دارد؟! آن هم نه اینکه مسلمانان با آن تلقی خطای کاتب کنند، تلقی سهو الکاتب کنند، بلکه از روز اول به این صورت بوده. حالا من عبارت آنها را میخوانم.

[1] الليل ٣

[2] صحيح البخاري (٥/ ٢٥)

«ثم قال: كيف يقرأ عبد الله: والليل إذا يغشى؟ فقرأت عليه: والليل إذا يغشى. والنهار إذا تجلى والذكر والأنثى قال: «والله لقد أقرأنيها رسول الله صلى الله عليه وسلم من فيه إلى في»قال: كيف كان عبد الله يقرأ: والليل إذا يغشى والنهار إذا تجلى، قلت: والذكر والأنثى، قال: «ما زال بي هؤلاء حتى كادوا يستنزلوني عن شيء سمعته من رسول الله صلى الله عليه وسلم».

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 13:59:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژوئن 2024 11:36:05 توسط ... .